



3- الفاظ مربوط به اجاره

۳- الفاظ مربوط به اجاره

۷۵۵. در وصیتنامه ای ۱/۳ مورد وصیت جهت حسینیّه و ۲/۳ آن جهت آموزش و پرورش اختصاص داده شده است و در متن نامه آمده است (تعیین اجاره بهاء برای مستأجرین با رضایت خود آنها انجام گیرد تا اجحافی به آنها نشود و راضی باشند) همین مطلب دست آویز شده است برای بعضی از مستأجرین و متصرفین مغازه های مورد ثلث که از پرداخت حقوق طبق عرف معمول و یا نظریه کارشناس استنکاف ورزند و تنها رضایت خود را ملاک تعیین اجاره بدانند و مساعی و تلاش امام جماعت مسجد نیز جهت دریافت حقوق عامه مثمر ثمر واقع نشده است و معظم له به این اداره اعلام فرموده اند که از طریق قانونی اقدام جدی شود لذا نظر به مراتب فوق حضرتعالی مرقوم بفرمائید که: آیا مستأجرین که مدت اجاره آنها نیز به پایان رسیده می توانند با توسل به جمله مذکور در وصیتنامه از پرداخت حقوق عامه عرف معمول و نظریه کارشناس رسمی یا کارشناس محلی استنکاف نمایند یا خیر، رضایت و میل خود آنها در پرداخت اجرت المثل معوقه ملاک خواهد بود؟ در صورت موظف بودن آنان به پرداخت حقوق ثلث، آیا این اداره می تواند از طریق مقامات قضائی نسبت به وصول حقوق حسینیّه و آموزش و پرورش اقدام نماید؟

جواب: تعیین مقدار اجاره موقوفه بستگی به توافق متولی و مستأجر دارد البته از عبارت وصیت نامه استظهار می شود که اجاره نباید بیش از اجرت المثل باشد که موجب اجحاف بر مستأجر است.